



دانشگاه علوم پزشکی کرمان

دانشکده مدیریت و اطلاع رسانی پزشکی

پایان نامه مقطع کارشناسی ارشد رشته‌ی کتابداری و اطلاع رسانی پزشکی

عنوان:

بررسی قصد استفاده از سیستم پشتیبان تصمیم‌گیری (DSS) توسط پزشکان
شاغل در بیمارستان‌های دانشگاه علوم پزشکی کرمان بر اساس مدل پذیرش
فناوری (TAM)

توسط: مهسا خطیبی

استاد راهنما: دکتر مریم اخوتی

استاد مشاور: دکتر مقدمه میرزایی - علی طالبیان

سال تحصیلی: ۱۳۹۶-۱۳۹۷

چکیده

مقدمه و اهداف: امروزه استفاده از دستاوردها و قابلیت‌های فناوری اطلاعات راه را برای تصمیم‌گیری هموار نموده است. سیستم‌های پشتیبان تصمیم‌گیری در این راستا با قابلیت‌های بالقوه و کاربردهای متنوع در خدمت علوم مختلف، از جمله علوم پزشکی قرار گرفته‌اند. پذیرش چنین سیستم‌هایی از سوی جامعه‌ی هدف همچون سایر فناوری‌ها از عوامل موفقیت در به کارگیری و اجرای آن‌ها بوده است؛ لذا ضرورت بررسی پذیرش، عوامل مؤثر در آن و ارتباطات آن‌ها با یکدیگر توجه بسیاری را به الگوها و تئوری‌های مرتبط جلب نموده است. مدل پذیرش فناوری دیویس (TAM) از مدل‌های شناخته شده‌ای است که پیش‌بینی پذیرش یک سیستم را با رفتار استفاده‌ی واقعی که خود نیز با قصد استفاده تعیین می‌شود امکان‌پذیر می‌سازد. لذا در این مطالعه عوامل مؤثر بر قصد استفاده از سیستم پشتیبان تصمیم‌گیری (DSS) توسط پزشکان شاغل در بیمارستان‌های دانشگاه علوم پزشکی کرمان بر اساس مدل پذیرش فناوری مورد بررسی قرار می‌گیرد.

روش‌ها: این مطالعه از لحاظ هدف، کاربردی و از لحاظ روش پیمایشی - تحلیلی می‌باشد. ابزار جمع‌آوری داده‌ها پرسشنامه‌ی محقق ساخته‌ای است که روایی آن با اعمال نظرات جمعی از متخصصین و اعضای هیئت علمی و پایایی آن با محاسبه‌ی ضریب آلفای کرونباخ ($\alpha=0/87$) مورد تأیید قرار گرفت. جامعه‌ی آماری پژوهش شامل کلیه‌ی پزشکان شاغل در بیمارستان‌های آموزشی دانشگاه علوم پزشکی کرمان بوده که تعداد ۱۰۳ نفر از آنان از طریق فرمول محاسبه‌ی حجم نمونه و به صورت طبقه‌ای از هر بیمارستان و بر اساس مدرک تحصیلی مقطع دکترا در سه سطح (عمومی، تخصص و فوق تخصص) مورد بررسی قرار گرفتند. این مطالعه در سال ۱۳۹۴ پس از توزیع و جمع‌آوری پرسشنامه‌ها به طور خودایفا توسط پژوهشگر انجام گرفت.

یافته‌ها: در بررسی ارتباط سازه‌های مطرح در مدل مورد استفاده، رابطه‌ی سهولت درک شده با سودمندی درک

شده $p=0/18$ ، $(0/13)$ ، و قصد استفاده $p=0/36$ ، $(0/09)$ معنادار نبوده اما رابطه‌ی بین این متغیر با نگرش $p=0/03$ ، $(0/2)$ ،

همچنین ارتباط سودمندی درک شده با نگرش $0/84$ و قصد استفاده $0/77$ و نیز ارتباط نگرش و قصد استفاده $(0/81)$ هر

سه رابطه در سطح $p < 0/0001$ معنادار تشخیص داده شد.

نتیجه‌گیری: با توجه به نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها و روابط بین متغیرهای مطرح در مدل پذیرش

فناوری هر عاملی که اثر مثبت و معنادار بر قصد استفاده از سیستم‌های پشتیبان تصمیم‌گیری دارد می‌تواند پذیرش این

سیستم‌ها را افزایش دهد. سودمندی درک شده بر نگرش و قصد استفاده اثر مثبت دارد. نگرش مثبت نیز قصد استفاده را

افزایش می‌دهد. بنابراین مدنظر قرار دادن عوامل مؤثر بر سودمند درک شدن در طراحی این سیستم‌ها امری ضروری

است؛ همچنین پیشنهاد می‌گردد پزشکان در مورد مزایای استفاده از سیستم پشتیبان تصمیم‌گیری بالینی توجه گردند و

برای تداوم استفاده نگرش آن‌ها تقویت گردد. تنها اثر مثبت معنادار سهولت درک شده بر نگرش و در حد ضعیف می‌باشد.

اثر این متغیر بر سودمندی درک شده و قصد استفاده معنادار نیست. بنابراین سهولت یادگیری و استفاده از سیستم ضرورتاً

افزایش پذیرش را در پی نخواهد داشت و فقط با اثر اندک خود بر نگرش می‌تواند بر پذیرش اثرگذار باشد.

واژه‌های کلیدی: سیستم پشتیبان تصمیم‌گیری، مدل پذیرش فناوری، سهولت درک شده، سودمندی درک شده،

پزشکان، کرمان